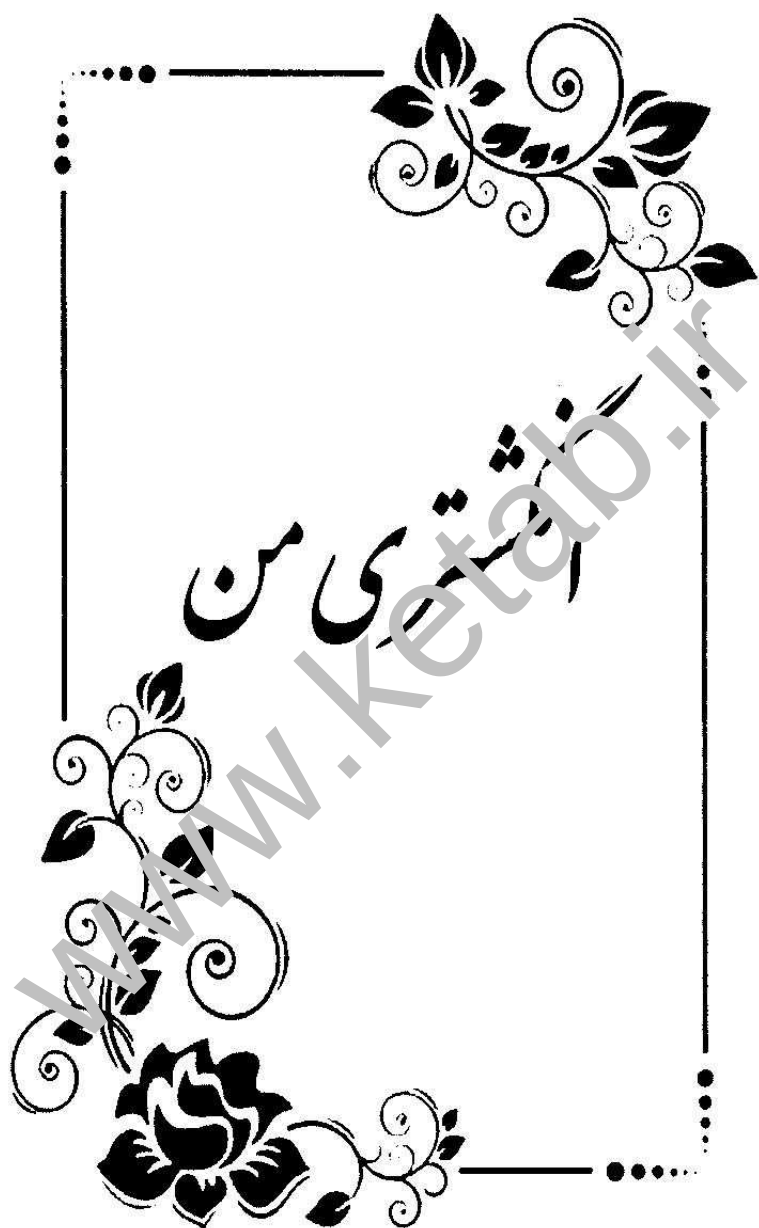




سرشناسه	:	ربیع بیگی، امین، ۱۳۷۷.
عنوان و نام پدیدآور	:	انگشتی من / امین ربیع بیگی؛ ویراستار علیرضا نجفی نیا.
مشخصات نشر	:	ایلام: صبح آراد، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	:	۷۲ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۸۴۶۹-۶۹-۸
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	:	th century۲. Persian poetry --
موضوع	:	شعر سپید -- قرن ۱۴
موضوع	:	th century۲. Blank verse --
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۶ الف م/۸۳۳۴ PIR
رده بندی	:	۸۶۱/۶۲
شمار کتابشناس ملی	:	۴۹۸۳۸۳۵



انگشتی من

شاعر: امین ربیع بیگی

ناشر: صبح آراد

ویراستار: علیرضا نجفی نیا

طراحی جلد: مهین ملکی

صفحه آرای: سجاد حاتمی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ خانه: تهران - نصر

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۶۹-۶۹-۸

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان صبا و فلسطین جنوبی شماره ۱۰۸۰

تلفن: ۰۲۱-۶۶۱۷۵۵۱۹-۱ ۰۹۱۲۰۴۱۹۳۳۰

وبسایت و Email: Sobharad@yahoo.com , WWW.Sanjeshsa.ir

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است و متخلفین به موجب بند ۵ از ماده ی ۲

قانون حمایت از ناشرین تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

فهرست مطالب

۷	 مقدمه
۹	 انگشتری من
۱۱	 یوسف راه
۱۴	 برف
۱۶	 چه غم آلود بود
۱۸	 دیوانگی
۲۰	 نقاشی
۲۲	 نامه
۲۴	 دوست دارم
۲۶	 طعم سرما
۲۸	 ادامه ی مسیر
۳۰	 انتظار
۳۲	 سلام تکراری
۳۴	 آسانم تاریک توست
۳۶	 ای تو

۳۸	هر روز از تو ست
۴۰	کد بسیار است
۴۲	گرفته‌ام
۴۴	تو دریا و من بیابان
۴۶	همین تنهایی
۴۸	بکهای خاطره
۵۰	توبه
۵۲	شفت فرشته‌ها
۵۴	شمع، دل، پروانه
۵۶	تو خورشیدی
۵۹	سوزن و خاکستر
۶۲	غربت آشنا
۶۵	شیرین‌ترین لیدا
۶۸	شوی مادر

مقدمہ

این ریح بکی ام (این بہار)

موتو لہجہ بن روز از آخرین ماہ پاییز سال ہفتاد و ہفت

ساکن ایلام و فرزند کارزار

و کودکی از پس کوچہ ہای خسہ ی بہ نور

سالہارایی کی این کوچہ باورق زدند و ہستند،

آغوش گرم دیوار ہای کہنہ اش ہمان رفیق قدیمی کودکی ہای بن باقی ماندہ

ہمان روز ہایی کہ بہ قول حسین پناہی:

بہ جای دلم، سر زانو ہایم زخمی بود.

و اکنون ہمین زخمی کہ بر دلم نقش بستہ،

یادگار محاهی ست که با چشمان من تصادف کرد.

محاهی پربسته از چشمان مظلوم انگشتی من.

همین ند که دلم به نوشتن حادثه های آن روز عادت کرد؛

هر بار به گونه ای در می آورم، آناه هر گونه ای که باشد از تو ست.

و این کتاب نخستین یادگاری من به محاهی تو.

که به بهانه ای مظلومیت چشمهایت،

نام تو را به آن می آویزم. تو ای انگشتی من

امین بهار